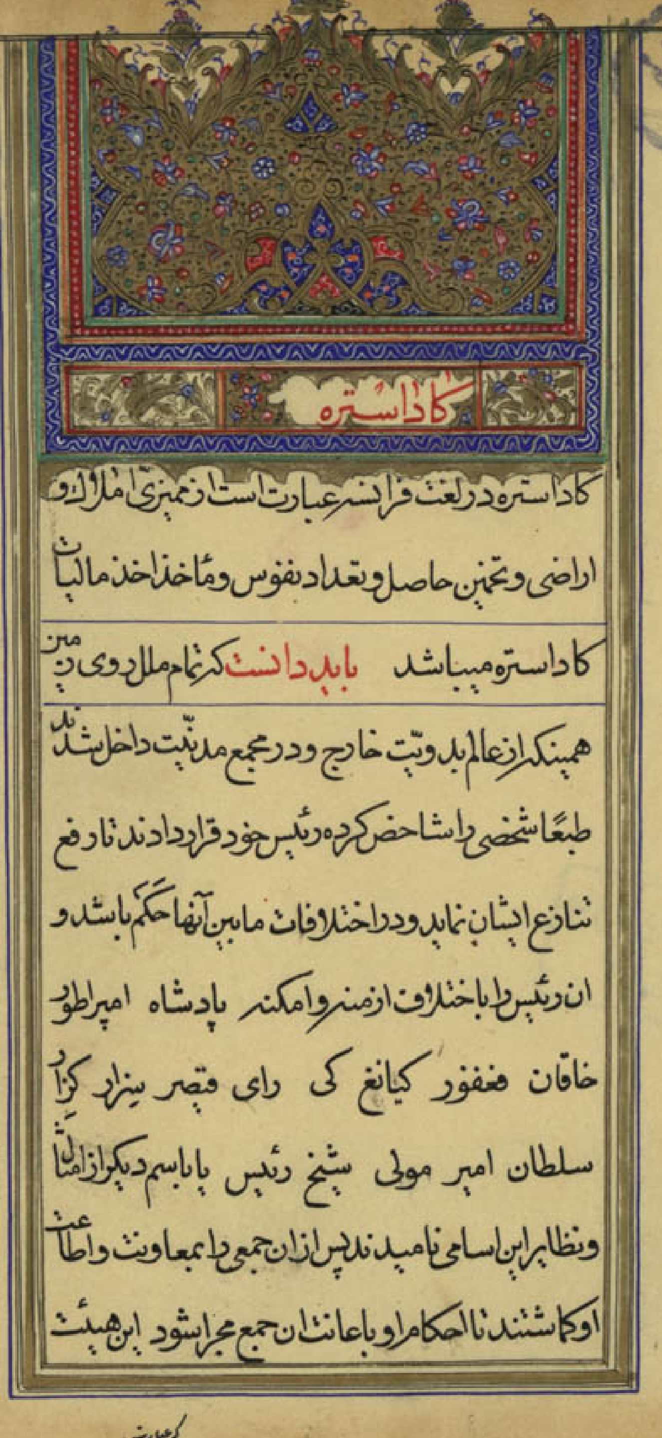


تقدیمی محسن امینی مجدی
بکتابخانهٔ مجلس مقدس شورای ملی
آذرماه ۱۳۱۸ خورشیدی
۹۹۹۳
بازدید شد
۱۳۸۲
بازرسی شد
۳۶ - ۳۷
کتابخانهٔ مجلس شورای ملی
۸۱۰۰
خطی «فهرست شده»
۸۱۰۰



کاداستره

کاداستره در لغت فرانسه عبارت است از ممیزی املاک و
اراضی و تخمین حاصل و تعداد نفوس و مأخذ اخذ مالیات
کاداستره میباشد **باید دانست** که تمام ملل روی زمین
همینکه از عالم بدویت خارج و در مجمع مدنیت داخل شدند
طبعاً شخصی را شاخص کرده رئیس خود قرار دادند تا رفع
تنازع ایشان نماید و در اختلافات مابین آنها حکم باشد و
آن رئیس را باختلاف ازمنه و امکنه پادشاه امپراطور
خاقان فغفور کیانغ کی رای قیصر سزار کرال
سلطان امیر مولی شیخ رئیس یا باسم دیگر از امثال
و نظایر این اسامی نامیدند پس از آن جمعی را بمعاونت و اطاعت
او گماشتند تا احکام او باعانت آن جمع مجرا شود این هیئت

که عبارت

که عبارت از شخص رئیس و جمع مرئوس باشد موسوم بدولت
گردید و از آنجا که این هیئت مشغول خدمت و اصلاح
امور ملت بودند لازم آمد که ملت حق زحمت آنها را
ادا نماید تا هم مؤنه داشته باشند هم قوت و شوکت اصلاح
امور ملت این بود که مالیات رسم شد اما در مبادی امر
که کارها کلیتاً بوضع ساده میگذشت و علم و دانش
هنوز از قوه نوع بصورت فعلیت نیامده بود تحقیق در
حقوق ملل نکرده بودند و برای دول ترتیب قانون
نداده رسم دریافت مالیات نیز بوضعی ساده بود یعنی
از صاحبان املاک و اراضی بدون تحدید ملک و
تعیین منفعت مبلغی دریافت میکردند و شک نیست
که در بدو امر معاملات بمبادله و مالیات از عین اجناس
بود چه ابداع و اختراع نقود و مسکوکات در وقتی شد
که بالنسبه امر تمدن ترقی یافته و کار این عالم قوامی

گرفته بود و شاهد این مدعا منقورات تخت جمشید است
که مینماید رعایا اگر محصولات طبیعی خود را از نبات و
حیوان و غیرها بحضور پادشاه آورده تقدیم مالیات می
نمایند و اگر کسی را بتواریخ فراعنه و نمارده و تورات نظری
باشد در این فقره تردید نخواهد نمود بالجمله بعد از آنکه
قوام کار عالم محض تسهیل ∴ معاملات امم بضرب مسکوکات
پرداختند و فلزات مسکوکه را رواج ساختند این بود که
سبک مالیات تغییر نمود و در بعضی نقاط فقط نقود
وجه مالیات شد و در سایر حسب المناسبه نقد و جنس
میدادند و کار بهر قسم که بود میگذشت تا تمدن قوس
صعودی خود را طی کرده باوج رسید یعنی مالکان ممالک
دانستند ممالیک با رعایا نهالهای بارآور آنها هستند و حفظ
آنها لازم است باید از تعدی محفوظ مانند تا ثمرات آنها عاید
دولت شود برای دفع تعدی بخیال ترتیب قانون جدید

افتادند

افتادند تا رعیت زیاده از حد طاقت چیزی ندهد و باغ
دولت بی نهال و ثمر نشود یعنی رعیت ناچیز و معدوم نگردد

این علت صحیح سبب ایجاد کاداستره شد قرار وابر ممیزی

املاک و اراضی و فهم اندازهٔ محصول آن و تعداد نفوس و
تعیین هر گونه حاصل مملکت گذاشتند تا بتناسب دریافت
مالیات شود یعنی نهال بارآور را نبرند بلکه از میوهٔ آن
بهره برند تا فایدهٔ دولت مستدام بلکه مستزاد باشد
خلاصه کاداستره تحدید اراضی و املاک نمود و بتعیین
منافع و محصولات آن پرداخت تا معین نماید که از این منافع
و محصولات چه باید دیوان دریافت کند و چه از برای رعیت
بماند که بفراغ زندگانی خود را داشته باشد و باز در سال
دیگر بهمین منوال بلکه بهتر و بیشتر ثمر دهد و دولت از آن
کسب فایده نماید و بر قوت و شوکت خود بیفزاید و بر این
تحدید و تعیین فایدهٔ دیگر نیز مترتب شد و آن این بود که عمال

دیوان دانستند که حسابی در کار داشت و نباید با اسم مالیات
دیوان دارائی رعیت را از دستش گرفت و وی را نابود کنند
و باغ دولت را بی نهال گذارند و اگر بعد از وضع و ابداع
کاداستره باز هم رعایا بتعدّی و اجحاف شده از بابت نقص
و ناتمامی تشکیل اداره بوده است و هر قدر این اداره رو بکمال
گذاشته این منقصت حسب التناسب دفع شده است رعیت
جان گرفته کار کرده از حاصل زراعت و صناعت و تجارت خود
مملکت را آباد کرده و قوّت و شوکت دولت را زیاد کرد کاداستره
اسباب ایمنی رعیت است و رعیت ایمن مانند نهالی است
که شرایط حیات و وجود آن بعمل آمده کاملاً ثمر میدهد و
دولت و ملّت از این ثمره بهره ور میگردد و ما اگر از قرون سالفه
دارای این اسم یعنی کاداستره نبوده ایم امّا رسم آن را
داشته ایم توضیح آنکه اگر از صد سال قبل ملّت فرانسه باین
خیال افتاده و پیروی کاداستره مینماید و سایر ملل اروپا

حالا منافع آنرا ملتفت شده بدان اقتفا کرده اند ما بحمد الله
در هزار و سیصد سال قبل تأسیس این اساس نموده ایم یعنی
شرع شریف ما در سیزده قرن صد سال از این پیش این
بساط شوکت و حشمت و رفاهیت و جلالت را برای ما پهن
کرده زکوة و عُشر قرار داده و نه تنها زکوة و عشر بلکه تمام
حدود را معیّن فرموده است و مؤسس این اساس کاداستره
جا دارد که روی انصاف خود را بجانب ما کرده بگویند

الفضل للمتقدّم

و باز باید دانست که تاجداران سابق ایران که گاهاً بخیال و
ترتیب و اجرای کاداستره یا قانون افتاده و قدمی در این راه
نهاده اند و دانسته اند که صلاح در این است و جز این نیست
منتهی لفظ کاداستره یا قانون نبوده معنی را که اجرای اوامر
شرع شریف است ملاحظه نموده اند و این نبوده است مگر
تنبّه و التفات بفواید و منافع این اساس پر منفعت با برکت

کار داستره بمنزلهٔ بنیان عمارتی است که شخصی میخواهد آنرا
بنا نماید البته قبل از وقت باید ملاحظهٔ محل و موقع را نماید
و طرح و نقشه را طوری بریزد و بکشد که مناسب محل و
موقع باشد مثلا در منطقهٔ حاره اگر کسی بنائی نهد بنا باید
از روی ابنیهٔ باشد که در منطقهٔ بارده بنا میکنند پس
کارآگاهان دولت و مملکت باید مقتضیات امکنه و
ممالک خود را ملتفت شده باقتضای زمان و مکان بترتیب
قانون یا کار داستره بپردازند و بدانند که اصول آن باید همان
کلیات واردهٔ از شرع شریف باشد و چون شرع مطاع
حکم به پیروی احکام و اوامر مقدسه میدهد بعبارة
اخری امر بقبول قانون مینماید از آن پهلو تهی کردن دلیل
بی بصیرتی و بیخبری از فواید این رسم مقدس است مزیدا
للتوضیح اظهار میشود وقتی که دولت از محصول طبیعی و
صناعی مملکت خود بیخبر است و بر مملکت و استطاعت رعیت

خود واقف نیست چه چیز را با مأخذ اخذ مالیات میتواند
قرار بدهد یا فی المثل نمیداند در آن سطح و سرزمینی که
خدا او را مالک و مختار قرار داده چند نفر یا چند صد
نفر یا چند صد هزار نفر ساکن اند چه میداند که از این سطح
و سرزمین چه قدر قشون باید گرفت و چند تن را در زیر
اسلحه در آورد پس کار داستره اصل یا مبدء قانون است یا
بنیانی است که با طمینان بر روی آن بنا مینمایند   چون
دولت از مملکت خود بدرستی باخبر شد و دانست چند
فرسخ زمین بلکه چند میل مختصرا بلکه چند شبر از این بستاده
را خدا بودیعت و امانت باو سپرده و چند نفر در اراضی
محکومهٔ او سکنی دارند لابد باید بترتیب امور زندگانی آنها
یعنی به پیشرفت کار خود بپردازد امور کشوری و لشکری
خود را منظم سازد در سوق عسکر و لوازم آن که اسباب
مدافعه خارجه است و در ترویج صنایع مملکت و تشویق

اهالی آن که سرمایهٔ حصول اسباب سوق عسکر و رفاه
داخله است و در موازنهٔ دخل و خرج دولت که اسباب انضباط
و انتظام و ازدیاد شأن و شوکت دولت است در فراهم
نمودن وسایل ارتباط با خارجه که باعث اطلاع و حصول
فواید و اجتناب از مخاطرات است و در باز نمودن راههای
تجارت که بهترین سرچشمه‌های جلب منفعت است و در
استخراج سایر دفاین و خزاین دولت که از جمله معادن و آبهای
روی زمینی و زیر زمینی و مزروعات دیگر است دولت
وقتی موفق و قادر خواهد شد که داستره داد در مد نظر
داشته باشد و بمقتضیات آن عمل نماید و بموجب مسطورات
فوق و برهان آن واضح و لایح میباشد که به پیروی قانون
صحیح عادلانه تمام مقاصد و مطالب عالیه بحصول موصول
خواهد شد و آن قانون صحیح عادلانه اوامر شرع مطاع است
نکته که در کار است این است که بعضی از ممالک در فهم آن

اوامر و اجرای آن جدی نیز ننموده اند و برخی این راه را
بقدم سعی و اهتمام نپیموده اند و اگر حمل بر اغراق نشود میتوان
گفت کورها دیده و کرها شنیده اند که کتاب شرایع ما را
اهالی فرنگ ترجمه و طبع کرده و بدان عمل مینمایند پس معلوم
است که ما غافل و سایرین در کلیهٔ احکام و اوامر تتبع کامل
نموده اند و ضعف بنیهٔ ما را از مجاهدت باز داشته خود
نمیتوانیم مطالب را کما هی استقصا کنیم لهذا باید قانون
تحقیق و تدقیق شده را سرمشق قرار دهیم و البته بعضی از
فصول قانون فرانسه انسب است و بزرگان گفته اند تقلید
تحقیق نوعی از تحقیق است و به پیروی حقیق یعنی سزاوار
و مقلد بصیر فی الحقیقه محقق خبیر است

تبیین

ممیزی و تحدید حدود و وسعت املاک و تعیین قیمت آنها
چنانکه پیش گذشت گذشته از اینکه برای اخذ مالیات

اهمیت دارد مشتمل بر فواید دیگر نیز میباشد مثلاً وقتی که
حدود املاک بدرستی مشخص باشد کمتر ملاک و محلی منازع
فیه نیز خواهد شد و اگر هم بشود باسانی رفع تنازع میشود و
مرافعه بطول نمی انجامد و حقوق صاحبان آن از میان نمیرود و
عمل بیع و شرا و انتقال و هبه و غیرها صحیح و منظم میگردد و
فواید املاک موقوفه ضایع نشده بمصارف منظوره واقعه
میرسد و نفع کلی رعایا از این تعیین حدود و وسعت املاک
و تشخیص قیمت آن اینست که دولت بتناسب حاصل و منفعت
اراضی و مزارع و مستغلات از ایشان مالیات خواهد گرفت
و زیادتی بر هیچکس نخواهد شد و دولت نیز از این راه منتفع
میشود چه امور مالیهٔ خود را منظم مینماید و پس از حصول
این انتظام امور عسکریه و نظام و سایر مهام دولتی و مملکتی
از فواید عامه و دوایر علمیه و غیرها رو بترقی میگذارد
و مملکت و رعیت معمور و مرفه میشود بنا بر این ادارهٔ ممیزی

املاک

املاک و اراضی و مستغلات از ادارات مهمهٔ دولت شمرده می
شود پس بر هر دولت لازم است بموجب تناسب و اقتضای
مملکت و گنجایش آن ادارهٔ ممیزی برقرار کند و آن از روی قانون
باشد و قانونی که مناسب ادارهٔ ممیزی ممالک محروسهٔ ایران
باشد بفکر فاتر از قرار ذیل است و دانشمندان کارآگاه در
هر جای آن قصور و فتوری مشاهده نمایند پس از توضیح
ممکن است بجرح و تعدیل آن بپردازند

باب اول

که مشتمل بر هشت فصل است در ترتیب و هیئت اداره
و مأمورین

فصل اول

ادارهٔ ممیزی املاک و
اراضی و مستغلات و تعیین و تحدید حدود و وسعت
و قیمت آن تشکیل میباید بوجود یکنفر مدیر که از رجال
کاردان باشد و انتخاب این مدیر کافی را شخص پادشاه
مینماید و اجزای این اداره عبارت است از یکنفر محاسب
امین و یکنفر منشی و یکنفر مهندس قابل و پنج نفر محرر

برای برداشتن ثبت و یکنفر دفتردار و یکنفر تحویلدار و
این اداره در پای تخت تشکیل مییابد بنابراین میتوان انرا
ادارهٔ مرکزیه گفت **فصل دویم** ادارهٔ مرکزیه
بصوابدید وزیر مالیه و سایر وزرای دربار برای هر
ولایت بقدر وسعت و تناسب گنجایش آن دستجات مامورین
معین خواهد کرد و یکدسته از این دستجات در کرسی آن
ولایت اقامت مینماید و باقی بنواحی و بلوکات میروند و
کلیه در تحت یکنفر مدیر میباشند و فرمان همایون نیز
درباب ماموریت این هیئت شرف صدور خواهد یافت
فصل سویم مدیر هر ولایت باموریت حفظ
دفاتر و اوراق میپردازد و مراقبت میشود که مامورین از
حدود قانون تجاوز نکرده مرتکب خلاف قاعده نشوند
بعلاوه از جانب دولت بهر ولایت مفتشی فرستاده می
شود که ملتفت کلیهٔ اعمال مامورین باشد و از نیک

و بد

و بد آنها دربار دولت را خبردار نماید **فصل چهارم**
هر دسته ماموری که از ولایتی بناحیه و بلوکی میرود عبارت
است از یک رئیس و یک نایب و یکنفر مهندس و دو محرر و
چهار مساح و دو نفر ممیز **فصل پنجم** دستهٔ ماموری
که در کرسی ولایت مقیم است عبارت است از یکنفر محاسب
و یکنفر مهندس و یکنفر معمار و یکنفر ممیز و دو نفر محرر برای
تحریر وقایع و سه نفر نویسنده برای ثبت برداشتن و یکنفر
دفتردار **فصل ششم** اندازهٔ کار و شغل
کلیهٔ محررین و نویسندهها در مجلس شورای دربار براورد
میشود و بنسبت زحمتی که دارند برای هریک مواجب معین
میگردد و کلیهٔ مامورین که بولایات میروند مخارج راهشان
در ضمن مواجبشان ملاحظه شده حق ادعای خرج راه
علیحده ندارند مگر مامورین فوق العاده که بانها مخارج
راه داده میشود **فصل هفتم** مخارج مامورین

هر ولایت علاوه بر مالیات میشود و از اهالی دریافت مینمایند
و از برای اینکه مواجب مأمورین در آخر هر ماه نقد و بدون
معطلی برسد وزارت مالیه میتواند هر ماه معادل آن از بانک
قرض کرده براتهای تجارتی بی وعده بهر ولایت ایصال دارد

فصل هشتم هیچیک از مأمورین بهیچ اسم و رسم

نباید جبر و بیگاری از صاحبان املاک و اراضی و مستغلات
مطالبه و اخذ نمایند و هر چیز که محتاج باشند باید اهالی
محل بقیمت عادله یعنی نرخ روز بآنها بفروشند و اگر مأمورین
با اهالی خلاف بتحکم نمایند بر طبق فصل یازدهم از باب هفتم
مورد مؤاخذه و مجازات خواهند شد

باب دوم

در تکالیف اعمال اداره و مأمورین اصول اعمال و تکالیف
اداره ممیزی و مأمورین آن تحدید حدود محلات بلاد و تقسیم
هر محله بچند گذر و تعیین مثلثات اراضی و املاک و ذرع
کردن آنها و طرح نقشه اراضی و مزارع و تحقیق وضع و قیمت

مستغلات است اما تحدید حدود محلات را باید یکنفر مهندس
درجه اول بنماید و در باب هر محله تحقیقاتی که مینماید در کتابچه
بنویسد و امضا کند و کدخدای محله نیز باید آن کتابچه را
امضا نماید و همین رسم را در گذرهای محلات مرسوم و مجرا
دارد تا امر طرح نقشه اراضی سهل شود و صاحبان املاک و
اراضی نیز بتوانند بسهولت حدود زمینهای خود را معین
کنند اما مثلثات عبارت است از بعضی حسابها در این علم یعنی
در علم مثلثات که بواسطه آن میتوان سطح زمین را ذرع کرد
اراضی را باید مهندس درجه اول از روی علم مزبور تحدید
کند و حاصل تحقیقات خود را نوشته به رئیس مهندسین یا
رئیس مأمورین بدهد و او اول باید در دفترخانه خود این
حساب را رسیدگی کند بعد در عرض ماه شخصاً در املاک
حضور بهم رساند و تحقیقات بعمل آورد پس از آن تحقیقات
خود را با تحقیقات مهندس مزبور تطبیق نماید اگر صحیح بود

حاصل را ثبت و مرقوم دارد و باید دانست که قبل از تعیین مثلثات
ذرع کردن اراضی ممکن نیست و محله هائی که میخواهند مسهای
انها را ذرع کنند در صورت وجود یعنی تعدد مهندسین
در جزء اول باید میان انها تقسیم کنند و کدخدایان محلات
بموجب حکم حکومت باید بمهندسین معاونت نمایند و پیش
از وقت بعضی تحقیقات بعمل اورده بانها بدهند نیز کدخدای
هر محله باید اعلانی نوشته بموجب ان بصاحبان املاک محله
خود خبر دهد که فلان روز فلان قسمت از محله را ذرع خواهند
کرد تا صاحبان املاک دران روز یا شخصه حضور بهم رسانند
یا وکلا از جانب خود بفرستند و اطلاعات لازمه بمهندس
داده شود و در هر ملکی اسامی صاحبان ان یا اسامی خود
املاک را باجد و در هر قسمتی باید نیز کدخدا تصدیق و امضا
نماید و مهندسین نقشه املاک را بر حسب حقوق صاحبان
ان طرح و رسم خواهند نمود و طرح نقشه از روی هر قسمت

از املاک

از املاک برداشته خواهد شد و تمام قسمتها یا از بابت
اختلاف در نزاعست یا از جهت ممالک یعنی این قسمت
تعلق بیکی دارد و ان قسمت متعلق بدیگری است و هر وقت
یکقطعه زمین در دایره دو مستحفظ قرار گرفته باشد دو
قسمت محسوب میشود   مهندس مامور ذرع کردن اراضی
و طرح نقشه همین که کار خود را بانجام رسانید برئیس مهندسین
اطلاع میدهد و او شخصا در همان اراضی حاضر میشود و
تمام صفحات نقشه را تحقیق و تدقیق مینماید و اگر جرح و
تعدیلی لازم باشد بعمل میاورد و باید این جرح و تعدیل را
حکومت بلدیه تصدیق کند و اخر الامر دفتری از نقشه تمام
قطعات اراضی پرداخته میشود و انرا بمدیر کل میدهند و
نقشه ولایات و ممالک کلیته از روی ان دفتر مرتب و منقح
میگردد و مهندسین در نقشه های خود باید اظهار دارند
که بچه قاعده اراضی را ذرع کرده و ماخذ حسابهائی که

نموده اند چه بوده تا نقشهٔ کلیه از هر گونه سهو و خطا مصون
و محفوظ بوده باشد   نیز مهندسین هر قطعه
زمینی را ذرع کردند صورت حساب نزد صاحبان زمین
میدهند صاحب زمین اگر آن حساب را صحیح دانست فبها
و الا میتواند مجدداً بحساب بپردازد و اگر مهندس سهوی
کرده برا و مدلل نماید و در هر حال بعد از صحیح شدن حساب
کدخدای محل آن حساب را تصدیق و امضا مینماید و بعد
از آنکه این حساب از صحه رئیس مهندسین و مأمور مالیات
گذشت صورتی از آن بطرز نقشهٔ جغرافیائی کشیده برای
همان محل نگاه میدارند و نسخهٔ اصل در ادارهٔ ممیزی نگاه
داشته میشود و چنانکه پیش اشاره نمودیم از روی این
نقشه‌ها که هر یک متعلق بیک قسمت زمین است نقشهٔ یکمحل
و یکناحیه ترتیب و تشکیل مییابد و از روی نقشه محلها و
نواحی نقشه یک ولایت و از روی آنها نقشهٔ مملکت مکمل میگردد

و معین است

و معین است که در نقشهٔ یکمحل یا یکناحیه طرق عمده و انهار
و جبال مخصوص و منزل و شهر حاکم نشین و قرا و نقاط مهم
نشان داده میشود   نیز مقرر است که صاحبان املاک و اراضی
وقتی که نقشهٔ زمینهای خود را از مهندسین میگیرند حق
الزحمه باید بایشان بدهند و تعیین مأخذ این حق الزحمه از روی
قیمت ملک و قرار عادلانه ایست که مدیر ادارهٔ ممیزی بتصویب
مجلس شورای دولت داده است   چون ترتیبات مسطوره
در فوق بعمل آمد باید بانعقاد مجالس محلی یا محلیه پرداخت یعنی
مدیر مالیه از سکنه محل یا محله اهالی را که بیشتر از سایرین
ملک دارند احضار کرده مجلسی منعقد مینماید صاحبان املاک
و اراضی مزروعه هر محلی پنج نفر را از میان خود گماشته قرار می
دهند و این پنج نفر که برای تقسیم کردن اراضی بدرجات میباشند
دو نفرشان باید از خارج آن محل باشند بشرط آگاهی از آن محل
و سه نفر از اهالی همان محل و پنج نفر نایب هم برای این پنج نفر گماشته

منتخب میشود و گاهی چند نفر اهل خبره هم بر اشخاص مزبوره افزوده
شده مجلس شورای محلی تشکیل می‌یابد و مستوفی که حساب
مالیات آن محل بدست اوست با اجزای مجلس بتطبیق درجات
اراضی می‌پردازند و زمینهائیکه زراعت میشود از حیثیت
فائده و اندازهٔ حاصلی که از آن عاید میشود بر پنج درجه تقسیم
مینمایند اما خانه‌ها که آنهم از املاک است در شهرها و قصبات
معتبر در تحت درجات در نمی‌آید بلکه فرداً فرداً باید قیمت
شود ولی در دهات میتوان خانه‌ها را بدرجه قرار داد و تقسیم
کرد و کارخانجات و امثال آن نیز در تحت درجه نخواهد بود
و در امر تعیین درجات املاک و اراضی کاشتکان مختارند
که هر نوع تحقیق بعمل آرند و هنگام تعیین درجات صاحبان
املاک و اراضی یا وکلای آنها و مستأجرین باید حاضر باشند
و اگر ایراد و اعتراضی دارند با دلیل موجه اظهار نمایند
بعد از تعیین درجات اراضی و املاک کاشتکان بمعاونت اهل

خبره مأخذ را حاصل و فایدهٔ ده هزار ذرع زمین مربع قرار می
دهند باین معنی که معین میکنند حاصل و فایدهٔ ده هزار ذرع
زمین درجهٔ اول چه قدر و چه مبلغ است همچنین حاصل و
فایدهٔ ده هزار ذرع زمین درجهٔ دویم و سیم و چهارم و پنجم
در اینمورد هم صاحبان املاک یا وکلای آنها یا مستأجرین حق
دارند که اگر ایراد و اعتراضی دارند با دلایل موجه اظهار کنند
و اگر ذیحق شدند برآورد کاشتکان را جرح و تعدیل نمایند
بعد از آن صورت برآورد باداره وزارت مالیات داده می
شود و صورتی هم بکدخدای محل داده نگاه میدارد و وقت
مستوفی محاسب محل با اجزای شورای محلی میتوانند از روی
مأخذ مزبور تعیین مالیات محل را بنمایند و مدیر ادارهٔ ممیزی
بعد از تحقیقات لازمه صورت مالیات محل را تصدیق و
امضا کرده بوزارت مالیه میدهد و این صورت باید
مشتمل باشد بر اسامی صاحبان املاک و اراضی و مستغلات

ونمرهٔ نقشه‌ها واسامی امکنهٔ مشهورهٔ محل ووضع املاک
ووسعت هر قطعه زمین وتعیین درجات ومداخل هر قطعه
زمین ودر ذیل صورت باید جمع وسعت اراضی ومداخل
ان ومالیات ان نوشته شده باشد   چون اینصورتها
باترتیبات مذکوره باداره وزارت مالیه رسید درانجا
ثبت دفتر استیفا میشود وبلاد دیگر اهمیت ووسعتی دارد
دفاتر مالیات ان منقسم بدو قسمت میشود در یکقسمت
خانه‌ها وباغات واقعه در داخل شهر بترتیب کوچه ونمرهٔ
خانه ثبت میشود با فهرست الف بائی اسامی صاحبان ان
در قسمت دیگر املاک اباد وغیر اباد خارج شهر را ثبت می
نمایند وصورت ثبت هر محل نیز بان محل داده میشود وباین
ترتیب تعدی وتخلف از اصل مالیات غیر ممکن خواهد بود
واز مطالب مهمه اینست که هر سال تغییرات وانتقالات واقعه
درظرف یکسال را محاسبین مالیات در دفاتر ثبت کنند یعنی

تحصیل داران که مأمور اخذ وجمع اوری مالیات میباشند هر
ششماه یکبار صورت جمیع تغییرات وانتقالات را بمحاسبین مالیات
بموجب اسناد صحیحه بدهند وانها ثبت دفتر محلی کرده درکتابچهٔ
دستور العمل که بتحصیلداران سال بعد میدهند ان تغییر و
انتقال را منظور دارند تا اسباب تسهیل عمل انها شود وبعد از
انکه در دفتر محلی هر گونه تغییر وانتقال ثبت شد در دفتر کل
هم ثبت میشود   ده روز قبل از انکه تحصیلداران شروع
باخذ مالیات کنند باید کدخدای هر محل بصاحبان املاک و
اراضی اعلام نماید که موقع دادن مالیات شده تا بتهیه بپردازند
وقبل از وقت مجلس کرده مشخص نمایند که کتابچهٔ تحصیلدار
باصورتیکه در محل است مطابق است یا اختلافی دارد واز
تغییرات وانتقالات مذاکره نمایند تا عمل کاملا منقح گردد و
حکومت هر ولایت باید از کلیات امور مسطوره در فوق باخبر
باشد وقوانین مزبوره را کلیه حتمی الاجراء بداند   این بود

اصول و کلیات تکالیف و اعمال ادارهٔ ممیزی و مأمورین انجمن مزیداً
للتوضیح فروع و جزئیات از این قرار در ضمن یازده فصل ذکر مینماید

فصل اول مأمورین ممیزی که بولایات میروند همینکه
بکرسی ولایت رسیدند باید مستقیما بحضور حاکم رفته فرمان
همایون و دستور العملی که از وزیر مالیه دارند بنظر او برسانند
و تکلیف حاکم اینستکه بعجالتا ایشانرا در دار الحکومه یا محل مناسب
دیگر یا در ضیافت صاحب خانه جای دهد که اسباب زحمت اهالی نشوند

فصل دویم سر روز بعد از ورود مأمورین حاکم هر بلد
مجبور است که کدخدایان محلات و ریش سفیدان دهات را بدار
الحکومه دعوت کند و فرمان همایون که سند مأموریت
مأمورین است بگوید آشکارا برای ایشان قرائت نمایند و ایشان
را بر فواید و منافع ممیزی متنبه نماید و فراش و مأموری که
برای مأمورین ممیزی لازم است معین کند تا باتفاق مشغول
وضع و ترتیب نمرهٔ خانه‌ها شوند **فصل سویم** حکومت

هر بلد مکلف است باطلاع اعیان و کدخدایان و ریش سفیدان
برای همراهی هر دسته مأمور که بمحلها و دهات میروند یک
نفر زارع با مهارت و یکنفر معمار معین کند که زارعها پس از
مساحت اراضی حاصلخیز و معمارها پس از مساحت مستغلات
بتقویم املاک و اراضی بپردازند و اینجمله باید بقید قسم امانت
و درستکاری خود را ملتزم شوند **فصل چهارم** بعد
از فراغت از نمرهٔ خانه‌ها دسته‌های مأمورین مشغول تحریر
املاک و تعداد نفوس محلات میشوند و کدخدایان و ریش
سفیدان با ایشان همراهی دارند و اینجمله باید داخل تمامی خانه
ها شده حدود اربعه زمین و طبقات عمارت و عدد اطاقهای
تحتانی و فوقانی حتی زیر زمین و انبار و مطبخ را با ذرع زمین
باسم مالک ثبت کنند و در اینوقت نسوان در اطاقی نشسته
مزاحم و مانع کار مأمورین نخواهند شد و باید دانست که عمارات
سلطنتی و سفارتخانه‌ها از این حکم مستثنا است

فصل پنجم هر خانهٔ که در اجارهٔ مستأجری باشد نیز
اسم مستأجر و مبلغ اجاره و نفوس آنها با شرح مسطور در
فصل چهارم نگاشته خواهد شد امّا آنهائیکه مستأجر دکاکین
و کاروانسراها میباشند اگر در همان بلد خانهٔ ملکی و اجارهٔ
دارند اسم ایشان در ضمن شرح خانه نگاشته شده و اگر شب
را در دکاکین و حجرات بسر میبرند و غریب میباشند اسامی
ایشان در دفترهای داخله یا خارجه ثبت خواهد شد

فصل ششم چون اسامی اهل هر خانه ذکوراً و اناثاً
با تاریخ ولادت و ازدواج و شغل و صنعت و عوارض دیوانی
ایشان نوشته خواهد شد طبقهٔ ذکور در محضر مأمورین
باید حاضر شوند و چون طایفهٔ اناث از حضور یافتن ممنوع
اند صاحب خانه اسامی آنها و پدر آنها و سایر شروح ایشان را
نوشته بمأمورین خواهد داد و اگر یکی از آنها مالک ملکی
در آن بلد باشد آنرا هم اظهار خواهد نمود و اگر از اهل خانه

یکنفر

یکنفر بسفر رفته باشد باز بر دیگر خانه بشرح مسطور اسم
او را نگاشته با محل مسافرت او بمأمورین خواهد داد

فصل هفتم املاک و عمارات سلطنتی و ابنیهٔ
عمومی از قبیل تلگرافخانه و قورخانه و سفارتخانه و غیرها
از تقویم و بعضی تحدیدات معافند امّا اموال و اشیا و
کتب مساجد و معابد و امامزاده ها و مزارات باید بانفراده
ثبت دفتر املاک شود

فصل هشتم وقفیات عموم
املاک و اراضی موقوفه با مبلغ مال الاجارهٔ آنها و اسم واقف
و متولّی و مستأجر و شروط وقف باید ثبت دفتر شود و
صورتی از آن بوزارت اوقاف دهند که آنها را از تبدیل
بملکیّت و خرابی محفوظ دارد و هر سال از متولّیان حساب
منافع را بخواهد و معلوم کند شروط وقف تماما بعمل آمده
است یا نه ورود در این مبحث تحقیقات و بیانات دقیقه است
که ذکر شمهٔ از آن در اینجا بی فایده نیست و آن این است که پادشا

ایران در صورتیکه سلطان اسلام و مالک رقاب اهالی و
اولو الامر است باقید یکه باجرای اوامر شرع مطاع و قوانین
عادلانه و مقاصد حسنه که اصل و مبنای محکم دین حنیفست
دارد شرعا میتوان گفت در مداخله با مور موقوفه ذیحق است
و اعلام علما که کاشف حقایق و دقایق و واقف اسرار و
اخبارند اگر مسطورات ذیل بنظر توجه و دقت ببینند تصدیق
این گفته نمایند و دانند که پادشاه اسلام در مداخله با مور
موقوفه ذیحق است و حاصل کلام آنکه ملکی را که وقف میکنند
یا بملاحظه اعقاب است یا برای دستکاری عقبی و فقط
مداخله پادشاه و نظارت وزیر اوقاف میتواند واقف را به
مقصود نایل سازد این مداخله اوّلاً فایده که از برای ملک
وقف دارد این است که نمیگذارد خراب و بیفایده شود و قصد
واقف دیر یا زود نابود گردد ثانیا متولّیان را بر این میدارد که
باقتضای وقت و زمان بر معموری آن بیفزایند تا فایده و

حاصل آن زیاد شود فرض کنید ملکی را شخصی وقف اولاد
نمود یعنی این وقف بملاحظه آسایش اعقاب بود ملک دیگر
را شخص دیگر وقف مدرسه کرد تا در عقبی دستکار گردد
و حاصل این هر دو ملک حین وقف کردن یکی صد تومان می
شد بمداخله پادشاه و نظارت وزیر اوقاف فایده این ملک
گذشته از اینکه تنزّل نکرد پس از چند سال مضاعف شد
آنوقت مخارج اعقاب و مصارف مدرسه را میسنجند اگر فی
الحقیقه آنهم بواسطه تعدّد و تکثّر اخلاف و تفاوت اوضاع
مضاعف شده آن زیادتی باز حقّ آنها است و اگر مخارج و
مصارف بقدر روز اوّل است یا قدری بیشتر و موقوف
علیهم یعنی اعقاب و مدرسه میل متولّیان زیادت آن را
بمصارف بیهوده خواهند رسانید چه ضرر دارد با مر
پادشاه و نظارت وزارت اوقاف بمصرفی رسد که باز
میتوان گفت همان مصرفی است که واقف قصد کرده مثلاً

ایشان نمود و کدام خیرات از اینها بالاتر و آیا واقفین املاک
جز خیر خاصه و خیر عامه که خیر اعقاب و عقبی باشد چیزی
در نظر داشته‌اند   در این فصل هشتم چون خیلی تجاوز
از حد و جسارت نمودم بعد از عرض معذرت از دانشمندان
مملکت میپرسم آیا با وضع حالیه عشری از منافع و حاصل
موقوفه بمصرفی که واقف قصد کرده میرسد یا نه اگر نمیرسد
پس فقرات معروضه را اصلا تصدیق و فرعا اصلاح فرمایند
و فتوای آنرا از پیشوایان خیراندیش خداشناس که انوار هدایت
و ارباب درایت‌اند درخواست نمایند **فصل نهم**
در همان وقت که بعضی از مأمورین مشغول تحریر املاک و
تعداد نفوس شهر میباشند بعضی دیگر بمساحت و تعیین درجه
و مقدار حاصل باغات و بساتین و مزارع و مراتع شده در جمعهای
هر باغی را شمرده انواع آنها را علیحده ثبت دفتر مینمایند
و اگر در هنگام مساحت آثار خرابه یا احجار منقوره و اشیا

عتیقه یا مواد معدنی که کاشف از وجود معدن باشد در
جائی یافت شد بر رئیس مأمورین خبر میدهند و او مدیر اداره
ممیزی را مطلع میسازد و مدیر بدربار دولت اطلاع و راپورت
میدهد که در آنچه کشف شده تحقیقات بعمل آید
فصل دهم هنگام مساحت و تحریر اراضی باید
صاحبان املاک یا کاشتکاران و وکلای آنها حاضر باشند و
هر قسم اطلاع لازم باشد بمأمورین بدهند تا از خبط و خطا
و مشکلات محفوظ مانند **فصل یازدهم** مأمورین
باید حدود املاک و حاصل آنرا با وضع آبیاری در دفتر ثبت
کنند و اگر ملکی از قناتی آب ابتیاع میکند یا حق دارد قیمت
آن آب ابتیاعی و شرایط و حدود آن حق را با شرح و بسط نیز
در دفتر ثبت نمایند **باب سیم** در بیان انواع و اقسام
املاک و آن مشتملست بر چهار فصل **فصل اول** بر
مأمورین امور ممیزی لازم است که پیش از هر کار از انواع و

اقسام املاك واراضی باخبر و واقف باشند وبدانند اولا
تمامی املاك منقسم بدو قسم میشود اراضی مزروعه یعنی
قابل کشت وزرع ومستغلات مثل خانه وکاروانسرا وحمام
ودکان وامثال اینها **فصل دویم** در تقسیم ثانوی عموم
املاك بچهار قسم منقسم میشود **اول** املاك سلطنتی
که عبارتست از عمارات وباغات وکارخانجات وسربازخانه
وانبار وجنگلها وقورقهای مخصوص دولتی وتلگرافخانه
وقراولخانه وسفارتخانه وقونسولخانه وییلاقات مخصوص
مأمورین دول متحابه که ملکا تعلق بدولت دارد ونظایر
وامثال اینها **دویم** املاك عمومی از قبیل مساجد وتکایا
وزوایا وآب انبار وسقاخانه ومعابد ملل خارجه ومریضخانه
های مجانی وباغاتی که برای تفرج عامه ناس است ومواقف
ومراکز راه آهن وقبرستانها **ثالث** مستغلات که عبارت
است از حمام وکاروانسرا ودکاکین وبیوتات اجاره نشین و

اسیا وهر زمینی که در مقابل یکمبلغی یا جنسی موقتا بتصرف
دیگری داده میشود **رابع** املاك خاصه که عبارتست
از خانه وباغ وبوستان واراضی قابل کشت وزرع
فصل سیم در بلاد وقصبات چون باید اسامی معروفه
خیابانها وکوچهها ونمره خانهها نوشته شود عجالة بخط
جلی با رنگ قرمز در سر کوچهها وخیابانها باید آن اسامی را
بنویسند ونمره خانهها را بگذارند وترتیب نمره خانهها از این
قرار است که بیوتات یکطرف کوچه را بعدد فرد نمره میگذارند
باین قسم ۱ و ۳ و ۵ و ۷ و ۹ و ۱۱ و
وطرف دیگر را بعدد زوج باین قسم ۲ و ۴ و ۶ و ۸ و
۱۰ و ۱۲ و وبعد ها آن اسامی ونمرهها بر روی کاشی
نگاشته ونصب خواهد شد وحمام وکاروانسرا وامثال
آن از بابت نمره در حکم خانه است بعلاوه اسامی معروفه اینها
نیز نوشته میشود **فصل چهارم** اراضی نیز با حدود

و تعیینات خود قطعه قطعه مساحی و ممیزی شده ثبت دفتر
خواهد شد **باب چهارم** در بیان تکالیف کمیسیون
تقویم و تعیین و تفریق اصناف و آن مشتمل بر یازده فصل است
فصل اول اهالی هر محله دو نفر از اشخاص با اطلاع بی
غرض که سنشان کمتر از چهل سال نباشد انتخاب کرده و
کلیه اشخاص انتخاب شده نامیده میشود هیئت کمیسیون
و هر یک از این اشخاص یکی از اجزاء و اعضای کمیسیون میباشند
فصل دویم کمیسیون مزبور مأمور تعدیل و تسویه قیمه
املاک و اراضی و تعیین و تفریق درجات اصناف خواهد
شد **فصل سیم** اجزای کمیسیون بعد از تقویم و
تعدیل املاک و مستغلات کلیه معلومات خود را در دفاتر
دستی ثبت خواهند نمود و در تحقیق حدود باغات و بساتین
و مزارع و درجه حاصلخیزی آنها کمال دقت را بکار خواهند
برد و در آنچه تعیین و ثبت نموده اند تصدیق و امضای

مفتشین و مدیر و مأمورین تحریر از اعظم شرایط است و
اگر در تعیین و تحدید و تقویم ملکی و مستغلی اجزای کمیسیون
سهوی کرده باشند صاحب ملک و مستغل حق دارد که
سهو آنها را مدلل نماید و پس از ثبوت آنها دفتر خود را تصحیح
خواهند نمود نیز اگر کسی ملکی را بگرو و یا بیع شرط گرفته
باشد باید بکمیسیون اظهار کند و سند خود را ابراز
نماید تا اجزای کمیسیون آنرا در دفتر خود ثبت نمایند
فصل چهارم دفاتر اصناف از دایره ممیزی بکمیسیون
داده میشود و اجزای کمیسیون آنرا در حضور ریش
سفیدان و رؤسای اصناف به پنج درجه قرار میدهند
فصل پنجم بعد از تکمیل معاملات لازمه و نوشتن
قیمت و مال الاجاره املاک و اراضی و تعداد نفوس و
مالیات معینه در دفاتر دستی حاکم و مفتش و مدیر و مأمور
هر دسته و اعضای کمیسیون ذیل آن دفاتر را مهر و امضا

مینمایند **فصل ششم** مأمورین مقیم هر بلد از روی
دفاتر مهر و امضا شدهٔ مسطورهٔ در فصل پنجم نسخه برداشته
در دفتر خود ثبت میکنند و ذیل ان دفتر را با اعضای
کمیسیون مهر و امضا مینمایند و ازین رو پنج قطعه جدول
موازنه که جامع تمام معاملات محرّرهٔ ان بلد است ترتیب
خواهند داد **فصل هفتم** مفتّش محرّران ولایت سه
قطعه از جدول مذکور را با عریضه بوزارت داخله و مالیه
و ادارهٔ مرکزیّهٔ ممیّزی خواهد فرستاد و دو قطعهٔ دیگر
بدفتر استیفاء ولایت و رئیس مأمورین ممیّزی آن سپرده
خواهد شد **فصل هشتم** هر سال یک ثلث از اجزای
کمیسیون تغییر خواهد یافت و انتخاب ثلث جدید با
اهالی و باستصواب رئیس کمیسیون و رئیس مأمورین
ان ولایت خواهد بود **فصل نهم** کمیسیون مزبور
بعد از تکمیل اعمال ممیّزی و محرّران هفتهٔ یکروز در اطاق

مخصوص واقع در دایرهٔ حکومت جمع شده در جداول و دفاتر
دهات و قصبات تابعهٔ ولایت ثبت و تقیّدات بعمل خواهند
اورد **فصل دهم** کدخدایان هر محلّه و رؤسا و ریش
سفیدان اصناف باید در اخر هر ماه صورت اطفال متولّد
شده و وفیات و انتقالات و مستحدثات و مزاوجت و
طلاق واقعه در انماه را بکمیسیون بدهند و در ملک
صاحبان املاک اگر خرابی و خللی واقع شده باشد نیز
بتصدیق کدخدا و پیشنماز محلّ و محلّه با عریضه باید بکمیسیون
اطلاع دهند و در هنگام تعمیر و تجدید مستغلّ و عمارات
معماران باید اجازه از کمیسیون بگیرند و بی اجازه خشتی
بر زمین نگذارند هم چنین هیچ موجر و مستاجری حق ندارد
بدون اطلاع کمیسیون باجاره و استیجاره ملکی اقدام نماید
و در هنگام مزاوجت زوج و زوجه یا وکلای ایشان باید اجازه
نامه از کمیسیون بگیرند و پیشنماز که اجرای صیغهٔ عقد

ونکاح دائمی و غیر دائمی مینماید باید بدون ملاحظهٔ اجنا
نامه با جرای صیغه نپردازد واحدی از ذکور و اناث حق
ندارد بی تذکرهٔ مرور قدمی از حدود ولایت خود بیرون
گذارد و هر نوع قبالجات ملکی باید در دفتر ثبت شود و
غیر از روز جمعه و اعیاد هر روز نوبه باید یکی از اعضای
کمیسیون در اداره حاضر شود و از معاملاتی که در ان روز
واقع میشود سایر اجزا را خبردار نماید **فصل یازدهم** ۱۱
محض سرکشی و رسیدگی بامور ابنیهٔ جدیده و غیرها
باید یکنفر معمار با هیئت کمیسیون مشغول خدمت باشد
و هر ادعائی که صاحبان مستغلات و ابنیه با معماران
بنمایند کمیسیون برسیدگی ان خواهد پرداخت **باب**
پنجم در تکالیف هیئت مقیمهٔ مجریه بروان
مشتملست بر دوازده فصل **فصل اول** محاسبین
مامور هر بلد را وزیر مالیه منتخب و مامور خواهد نمود و

هر وقت مدیر هیئت مقیمه غایب باشد رسیدگی بامور
راجعه باین دایره و دقت در صحت اعمال و مهر کردن تذکرها
و جواز و غیره و تدقیق در محاسبات و جداول ثبت اعمال
مامورین و تصدیق قبوض مواجب عموم کارگذاران بر
عهدهٔ محاسبین است **فصل دویم** در هنگامی که ۲
مامورین مشغول تمیز گذاشتن بیوتات میباشند مهندسین
نیز نقشهٔ شهر را کشیده بکمیسیون میدهند و کمیسیون
با مامورین حکومت در تحت ریاست حاکم و تصدیق بون
مفتش قراری خواهند داد که عموم کوچه و بازار و خیابانها
متدرجا وسیع شود و میزان توسیع از قرار ذیل است
عرض خیابانهای دولتی هیجده ذرع عرض خیابانهای
درجهٔ دویم پانزده ذرع عرض کوچه های درجهٔ اول
دوازده ذرع عرض کوچه های درجهٔ دویم ده ذرع
عرض کوچه های درجه سیم هشت ذرع عرض کوچهای

کوچك و بن بست که مخصوص چند خانه است از شش الی چهار ذرع
ذرع   این مجمع بعد از تعیین درجات خیابانها و کوچه‌ها
و بازارها حتی المقدور اهتمام در استقامت آنها خواهد
نمود و در یك لایحهٔ اسامی و وسعت خیابانها و کوچه‌ها و
بازارها را نوشته زیر لایحه را مهر کرده به رئیس کمیسیون
میدهند که در وقت تعمیر و تجدید دیوار و ابنیهٔ واقعه
در جلو خانها از روی همان لایحه اجازه نامه بمعماران دهند
و تکلیف معمار این است که تا صاحب خانه بمضمون اجازه نامه
و حکم نقشه راضی نشود اقدام بکشیدن دیوار و تجدید بنا
ننماید   **فصل ششم**   از تکالیف مهندسین و معمار
کمیسیون اینست که هر وقت شخصی اجازه نامه برای بنائی
بخواهد آن بنا را مساحت نمایند و با ملاحظهٔ شرایط مخصوصه
اجازه نامه بدهند و در آن تصریح کنند که فلان شخص در
فلان ذرع مربع فلان و فلان بنا را خواهد ساخت

فصل چهارم   اول کار مهندسین اینست که تمام
کوچه‌ها و بازارها و شوارع را بازدید نمایند هر جا برآمدگی
و سکوئی در جلو دکانی یا در دیواری مشاهده کنند به
توسط حکومت بمالکان دکان و دیوار اعلان نمایند که در
ظرف پانزده روز آنرا خراب کرده او را آن را برداردا گر این
مدت منقضی شد و بحکم امالك امتثال ننمود مهندسین
با معمار و یکنفر صاحب منصب پلیس و بقدر کفایت جمعیتی
از پلیس بشبانه یا بمحل رفته آن سکو یا برآمدگی را خراب
کنند و مخارج خراب کردن آنرا اگر سکوی دکان است از
مستاجر میگیرند و او از مال الاجاره که باید بدهد کم
کند اردو اگر برآمدگی دیوار و امثال آنست مخارج هدم را از
مالك میگیرند   **فصل پنجم**   هر بنای دولتی که
ساختنش با مرمت خواهد شد قبل از شروع مهندسین و معمار
باید نقشهٔ آنرا بسازند و مخارج آنرا برآورد نمایند و صورت

خرج ونقشه را بکمیسیون بدهند کمیسیون دران دقت
نظر نموده انگاه بحاکم تقدیم کرده حکومت بهر وزارتخانه که
راجع است ایصال میدارد ابنیه موقوفه و امثال ان نیز
حکم بناهای دولتی را دارد **فصل ششم** تقسیم
آبهای شهر و معین نمودن درخت شو نخانه‌ها و سایر اعمال
که از این قبیل است یعنی فنی و عملی است از تکالیف مهندسین
و معماران است **فصل هفتم** هر بنائی که مشرف
بخرابی و انهدام میشود باید مهندس و معمار بازدید و
رسیدگی نموده وضع و حالت آنرا در سیما و تحریرا بکمیسیون
اظهار و اعلام مینماید و کمیسیون احکام لازمه انرا مقرر
میدارد **فصل هشتم** مأمورین استاتستیک یعنی
مقایسه و موازنه در اخر هر سال در هر محله و قریه شهر و
ولایت مقدار بیع و شرا و ترقی و تنزل قیمت املاک و اراضی
و زیاد و کم شدن مال الاجاره و موالید و وفیات و

مستحدثات

مستحدثات و تزاید و تناقص مالیات و امثال انرا که راجع
بسنه آتیه است در جدولی که نمونه ان در ذیل مشاهده
میشود در پنج نسخه نوشته بکمیسیون میدهند و کمیسیون
و تصدیق بحکومت تقدیم خواهد نمود که سه نسخه انرا
بعد از تصدیق بوزارت داخله و مالیه و اداره مرکزیه ممیزی
ایصال دارد و یک نسخه را در دفتر حکومت نگاه دارد و
نسخه دیگر را بکمیسیون اعاده دهد **فصل نهم**
از دو نفر کاتب وقایع یکی مأمور ثبت اطفال تازه متولد شده
و وفیات و اشخاص بخارج رفته و اشخاص از خارج امده
و احوال عسکریه است دیگری به ثبت امور متعلقه باملاک
و اراضی میپردازد و ان عبارت است از بیع و شرای قطعی
و بیع شرط و رهن و هبه و مفروز شدن ملک و زمینی از
ملک و زمین دیگر و الحاق ملک و زمینی بملک و زمین
دیگر و وقف اراضی و املاک و هیچ معامله در دفاتر دیوان

بعد از تحقیقات

بدون سند صحیح مجرا نخواهد شد **فصل دهم** از
سرنفر ثبت بردار یکی مأمور اعمال بنائی است دیگری
بعمل اجاره واستجارهٔ املاک واراضی رسیدگی مینماید
وتکلیف سیّمی اینست که تذکرهٔ مرور واذن مزاوجت بدهد
امّا تذکرهٔ مرور که بمهر وزیر خارجه مختوم است حاکم هم باید
ازا مهر کند **فصل یازدهم** وقت تعطیل دفترهارا
باید در صندوق کذاشته بدفترخانه نفرستند امّا در
ایام غیر تعطیل هر روز قبل از اجتماع وحاضر شدن مامورین
باید دفتردار دفترهارا از صندوق وقفخانه بمجلس بیاورد و
درجای خود بکذارد ودر هر حال محافظت دفترها از هر نوع
آفت وظیفهٔ دفتردار است **فصل دوازدهم** پاک
کردن وحکّ کردن کلمات در دفتر وتذکره وجواز ممنوع است
وهر وقت سهوی اتّفاق افتد باید بر روی کلمه یا کلمات
سهو شده خطّی کشید بطوریکه باز خوانده شود وصحیح

از جای دیگر نوشت وهر کس خلاف این کفته نماید بموجب
فصل بیست ویکم از باب نهم مجازات خواهد دید

باب ششم در تحریر املاک واراضی وتعداد نفوس
قراوان مشتملست بر چهارده فصل **فصل اوّل** بعد
از ممیّزی وتحریر بلاد نوبت تحریر قرا میشود انوقت هیئت
کمیسیون وحکومت ومأمورین ممیّزی وتحریر مجلسی منعقد
ساخته بموجب دستور العمل دیوان قرای تابعه هر شهر
را بوضع بلوک بلوک از هم جدا مینمایند وتحریر وممیزی
هر بلوک بر عهدهٔ یکدسته مأمور موکول میشود وسر
رشته داران ولایت اسامی قرا ومبلغ ومقدار مالیات
نقدی وجنسی وعوارض انهارا با تعیین تیولات واملاک
خالصه واملاک اربابی ورعیتی صریحاً در دفتری نوشته
بدست مأمورین میدهند **فصل دوّم** برای
پیشرفت کار مأمورین قبل از انکه بدهات روند حکومت

باید پیشکاران و کدخدایان و ریش سفیدان قرا را احضار
نماید و حسن و قبح کار را با ایشان بفهمانند و نوشته از ایشان
بگیرد که دقایق اوامر پادشاهی را با آنها معلوم نموده است و
بقدر یکه لازم داند فراش سواره با هر دسته مأمور همراه
کند **فصل سیم** وقتی که مأمورین داخل بلوکی
میشوند هر شش قریه را که مناسبت قرب جوار یک دایره قرار
میدهند و قبل از شروع بعمل و تحریر چند کار میکنند
اوّل یکنفر مخمّن بانتخاب اهالی تعیین مینمایند و کدخدایان
هر قریه را هم شریک عمل خود قرار میدهند بعد از آن
کدخدا و مخمّن را قسم میدهند که نه بدولت خیانت کنند
نه با اهالی و آنچه گویند و کنند مبنی بر حقیقت و عدالت
باشد آنوقت حدود شرقی و غربی و شمالی و جنوبی هر
قریه را معیّن نمایند و مسافت هر دهکده را از شهر و از
دهات معتبرۀ دیگر مشخّص کنند نیز توضیح نمایند که فلان

قریه در فلان جهت شهر واقع است و در چه تاریخ شروع
بممیزی و تحریر آن قریه نموده اند و آبهائی که اراضی قریه
را سیراب مینمایند از چشمه یا رودخانه یا قنات است و آن
قریه خالصه یا ملک یکنفر یا چند نفر (ارباب) یا از آن رعایاست و
اگر وقف یا تیول کسی است نیز اظهار دارند و معلوم کنند
که عمدۀ محصول آن چیست و از حاصل صنعتی چیزیکه جزو
عمل تجارت شود دارد یا نه و اگر دارد از چه قبیل است هم
چنین معاملۀ اربابی آن چگونه است و چند نفر سرباز
دارد و مراتع آن مخصوص یا مشترک است و اگر اراضی بایره
دارد سبب بایر ماندن آن چیست نیز اگر جنگل دارد چگونه
قطع اشجار جنگلی مینمایند و از این بابت چیزی بمالک
قریه و دیوان میدهند یا نه و هر چه از این قبیل اطلاعات
عمومی است باید در ابتدای دفتر هر قریه ثبت شود
فصل چهارم هر دسته مأمور بعد از تحقیق مطالب

مشروحه در فوق دو دسته تشکیل شده یکنفر مأمور و یک ثبت بردار
و دو مساح و یک مخمن بیکقریه و یکنفر نایب مأمور و یک ثبت
بردار و دو مساح و یک مخمن بقریه دیگر میروند و شروع بکار
و تحریر نموده املاک و اراضی و نفوس را بهمان وضع شهر در
دفترهای جدول دار دستی ثبت میکنند **فصل پنجم**
بعد از اتمام عمل و تحریر و تحقیقات و تدقیقات لازمه و تصدیق
و امضاء دفاتر املاک و اراضی و نفوس را نزد رئیس مأمورین می
فرستند که در کمیسیون مرکزیه از طرف تحقیقات و تدقیقات
شود و ممضی گردد **فصل ششم** مأمورین بعد از
فراغ از کار و مأموریت استشهادنامه از اهالی محل مأموریت
خود باید حاصل نمایند و اهالی در آن استشهادنامه شهادت
داده باشند که مأمورین دیناری از احدی رشوه نگرفته و
هرچه ابتیاع نموده اند وجه آنرا طبق معمول و نرخ روز داده
و هیچگونه اذیت و صدمه مالی و جانی و آبروئی بکسی وارد

نیاورده

نیاورده اند **فصل هفتم** هر مأمور و نایب مأمور و
ثبت بردار و مساحی باید در آخر هر ماه در جدولی که صورت
آن در آخر رساله مشاهده میشود ثبت کنند که در ظرف اینماه
چند قطعه اراضی و املاک و چه قدر از نفوس را شماره و تحریر
و ثبت دفتر نموده اند و زیر جدول را مهر کرده برئیس مأمورین
ارسال دارند و رئیس مزبور تمام جدولها را اخذ و مهر کرده باداره کل
بفرستند **فصل هشتم** غیر از روز جمعه و اعیاد دستههای
مأمور مجبورند که هر روز از اول طلوع آفتاب مشغول کار
و مأموریت خود شوند و هنگام ظهر یکساعت صرف غذا و
استراحت نموده باز بکار بپردازند و مساحان یکساعت بغروب
مانده و سایرین نیمساعت بغروب مانده دست از کار بکشند
فصل نهم بعد از حصول تجارب اداره کل معین خواهد
خواهد کرد که در هر یک از فصول اربعه سال هر یک نفر
از مأمورین در روز چه قدر کار باید بکنند **فصل دهم**

در اواخر پائیز یا اواسطان باقتضای اماکن در وقتی که باران
و برف و سرما مانع کار میشود دسترهای مامورین از محل
ماموریت خود بمراکز ولایت معاودت نموده در اوانی که به
جهت اقتضای فصل باید در مرکز بمانند دفاتر دستی خود را
که امضا و تصدیق شده بدفاتر اساسیه اصلیه انتقال خواهند
داد فصل یازدهم عدد عمومی هر دفتر بمرکب قرمز و سیاه
تحریرات بمرکب آبی یا بنفش که ثابت باشد نوشته میشود و
اعداد عمومیهٔ دفاتر نفوس بدفاتر املاک و اعداد عمومیه
دفاتر املاک بدفتر نفوس نقل خواهد شد فصل
دوازدهم در دفاتر اساسیهٔ املاک شهرها اوّل بیوتات و
مستغلات محلات بترتیب ثبت خواهد شد بعد بازارها
بعد باغات بعد اراضی مزروعه و غیر مزروعه و بایر هر محل
امّا در دفتر املاک و اراضی دهات اوّل از دایرهٔ دستهٔ اوّل
شروع کرده بیوتات و مستغلات و بعد باغات و اراضی قریهٔ

اولرا ثبت مینمایند بعد بیوتات و مستغلات و باغات و اراضی
قریهٔ دوّیم را و بعد از تکمیل دایرهٔ اول شروع بدایرهٔ ثانی کرده
وقس علی ذلک و در دفتر نفوس هم اوّل نفوس قریهٔ اوّل
دایرهٔ اوّل را و بر این قیاس ثبت خواهد شد فصل
سیزدهم هر نوع وقایع در دفتر روزنامه ثبت خواهد شد
و نباید آنها را در دفترهای دستی نوشت که اسباب اغتشاش
بشود فصل چهاردهم بعد از تکمیل عمل ثبت برای
هر محله و قریه صورتی از دفاتر اساسیهٔ املاک و نفوس فرستاده
خواهد شد همچنین بهر تبعهٔ از ذکور و اناث و صغیر و کبیر
تذکرهٔ از تذکرههای نفوس داده خواهد شد و در آن
تذکرهها هر کس مالیاتی داشته باشد معیّن میشود باب
هفتم در بیان تکالیف عمومیهٔ پیشنمازان و رؤسای
سایر ملل و کدخدایان محلات و ریش سفیدان اصناف و
دالاندارها کاروانسراها و غیرها و آن مشتملست بر یازده

فصل **فصل اول** هیچ پیشنمازی نباید بدون اجازهٔ
ادارهٔ تحریریه صیغهٔ عقد دائمی یا صیغهٔ که مدت آن زیاده از
یکماه باشد جاری نماید و رؤسای روحانی ملل غیر مسلمان
که تبعهٔ این دولت میباشند نیز بی اجازه حق عقد ندارند
فصل دوم کدخدایان محلات در امر ازدواجها باید
تحقیقات بعمل آورده اگر مانع شرعی در پیش نباشد اسم زوج
و زوجه و پدر انها را با عدد عمومی دفتر انها نوشته بمهر
رسمی محله مختوم نموده بداماد یا وکیل او داده که باداره تحریریه
برسانند و اجازه نامه بگیرد **فصل سیم** چون بدون
اجازهٔ اداره احدی حق ندارد که خانه و دکان و سایر املاک
و اراضی را اجاره دهد یا اجاره نماید پس آن ملک اگر در محلات
و دهات از قبیل خانه و دکان و انبار باشد از پیشنماز و کدخدا
نوشتهٔ میگیرد که در آن اسم موجر و مستاجر و مبلغ مال
الاجاره و حاصل ملک نوشته شده باشد آنگاه آن نوشته را

باداره

باداره آورده اجازه نامه حاصل میکند اما برای دکاکین بازار
و کاروانسراها و صید انها و املاک بازاری از هر قبیل که باشد
آن نوشته را باید از رؤسا و ریش سفیدان اصناف دریافت
نماید **فصل چهارم** دالاندارهای کاروانسراها
و قهوه خانها و غیره در صورتی حق قبول و جا دادن مسافرین
بلده و بلوکات و ولایت خود دارند که آن مسافر تذکرهٔ نفوس با
ضامن داشته باشد همچنین مسافر غریب باید تذکرهٔ نفوس
و تذکرهٔ مرور یا ضامن داشته باشد والا قبول و جا داده
نخواهد شد بلکه دالاندار و صاحب قهوه خانه و غیره
مجبورند که واردین بی تذکره را با پلیس باداره بفرستند
فصل پنجم ریش سفیدان و رؤسای اصناف هر گاه
شخصی داخل صنف آنها شود یا شخصی از افراد همان صنف
ترقی و تنزل نماید باید در آخر هر ماه رسماً آنرا باداره اطلاع
دهند **فصل ششم** احدی از بنایان و معماران حق ندارند

بدون اجازهٔ اداره در جائی بساختن بنائی یا خراب کردن
عمارتی اقدام نماید **فصل هفتم** کدخدایان محلات و
دهات مجبورند که هر بنائی بی اجازهٔ اداره بخواهند بسازند
باداره خبر دهند و نوشته بگیرند که خبر داده اند و اگر خبر
ندهند مورد مؤاخذه خواهند شد **فصل هشتم**
احدی از ذکور و اناث حق ندارد بدون تذکرهٔ مرور قدم
بخارج ولایت خود گذارد و اما در داخل ولایت اگر بخواهد
بجائی برود همان تذکرهٔ نفوس او کافی است و باید آنرا با خود
داشته باشد و الا مورد مؤاخذه خواهد شد و خسارت
خواهد دید **فصل نهم** تا تذکرهٔ نفوس عارض معروض و
ملاحظه نشود در هیچ یک از دوایر رسمی دولت اعتنائی
بعرایض ایشان نخواهد شد بلکه اجزای آن دوایر شخص بی
تذکره را با مأمور باداره خواهند فرستاد **فصل دهم**
هر شخص مالیات بده اگر بخواهد بخارج برود و چیزی از

مالیات او باقی مانده باشد باید آن باقی را نقدا کارسازی
کند و ضامنی برای ادای مالیات خود بکدخدا بدهد و
الا تذکرهٔ مرور باو داده نخواهد شد **فصل یازدهم**
هر نوع تصدیق و شهادت نامه که پیشنمازان و کدخدایان
محلات و دهات و رؤسای اصناف باهالی میدهند حق
ندارند از ده شاهی الی یکتومان اجرت تحریر و حق التحریر دریافت
نمایند **باب هشتم** در بیان مالیات مقرره و رسومات
و آن مشتملست بر هشت فصل **فصل اول** دولت علیهٔ
ایران بعد از اجرای این قانون هر نوع مالیات و عوارض و
رسوم را متروک داشته فقط در ظرف هر سال از هزار دینار
قیمت املاک و اراضی خاصه و غیرها چهار دینار دریافت
مینماید همچنین از صد دینار مال الاجارهٔ املاک چهار دینار
و از منافع و مداخل اصناف بموجب قرار نامهٔ علیحده از روی
تناسب مالیاتی باسم پتنت در ده قسط گرفته خواهد شد

فصل دویم چون در هر سال از صد و هشتاد نفر نفوس
ذکور مسلمان بحکم قرعه یکنفر سرباز گرفته خواهد شد در
مقابل این خدمت از هر صد و هشتاد نفر نفوس ذکور غیر مسلم
یکصد و پنجاه تومان در ده قسط دریافت میشود **فصل
سیم** بعد ها جنسی که برای انبار دولت از دهات گرفته
میشود بدین وضع خواهد بود که در وقت درو و رسیدن
حاصل مأموری به دهات میرود و از هر نوع حبوبات و پنجه
و کیاه ده یک آنرا عیناً و از توتون و تنباکو و جالیزهای خیار و
خربزه و هندوانه و کدو و تریاک و جوزق و حریر و نیشکر و
چغندر ده یک آنرا قیمتاً در چهار قسط دریافت مینماید
فصل چهارم شتر و گوسفند هر دهکده یا قبیله را
هر سال اول بهار شمرده از هر شتر سه هزار و از هر گوسفند
یکقران گرفته میشود و از هر کندوی زنبور نیز در اواسط
پائیز ده شاهی دریافت خواهد شد و باقی حیوانات دهات و

وعشایر از مالیات معاف میباشند **فصل پنجم** اجازه
نامهٔ نکاح باکره دو هزار دینار و نکاح ثیبه یکهزار دینار قیمه
دارد و تصدیق اسناد شرعی راجع بملك در یکتومان پنج
شاهی از قیمت یا از مال الاجاره دریافت میشود و از اجازه
نامهٔ تعمیرات ده شاهی و از بناهای جدید برای هر ذرع
مربع یکعباسی و از هر تذکرهٔ مرور دو هزار دینار و از باشبرت
دو تومان رسم ثبت گرفته خواهد شد **فصل ششم**
هیچ ماموری مأذون نیست تا رسم تذکره و جواز را نگیرد آن
تذکره و جواز را باسم کسی بنویسد **باب نهم** در بیان
مکافات و مجازات و آن مشتملست بر بیست و شش فصل
فصل اول تشکر و تشکی مفتش و مدیر و مأمورین اداره
ممیزی و تحریر در دولت علیه متمم خواهد بود
فصل دویم حسن خدمت و صداقت مأمورین تحریر
هیچ وقت فراموش نخواهد شد و از جانب دولت علیه

مورد التفات و مرحمت خواهد گردید **فصل سیم**
عموم مأمورین و صاحبان مواجب دیوان و ولایت مجبور و
مکلف اند که از دل و جان مشغول خدمت و انجام مأموریت
خود باشند و مصدر هیچگونه شرارت و مزاحمت نشوند و
در کار خود جد و جهد را بعمل آرند تا بدرجات عواطف
ملوکانه نایل گردند **فصل چهارم** علما و اعیان و سادات
و اشراف و صاحبان املاک هر مملکت باید بدون هیچگونه
اعتراض در اجرای فصول این قانون جهد و سعی نمایند تا
بامتیازات جلیله و مراحم شاهنشاهی مفتخر و مباهی گردند
فصل پنجم هر یک از مأمورین تحریریه در خدمات دولت
پیر یا علیل شوند و از کار بیفتند دولت علیه متعهد است
دو ثلث مواجب او را در حق او استمرارا برقرار دارد و از خدمت
معاف و در سلک دعاگویان منسلک دارد **فصل ششم**
هر کس خبر تقصیر مقصری را باو داده برساند نصف جزای

نقدیکه از مقصر دریافت میشود باو داده خواهد شد
فصل هفتم هر مأموری از مأمورین ادارهٔ تحریریه
کمتر از مقدار معین کار کند بنسبت کمی از مواجب او کسر
گذاشته خواهد شد و هر کس بیشتر از اندازهٔ تکلیف خدمت
نماید بهمان نسبت باو انعام داده خواهد شد **فصل هشتم**
هر گاه حاکمی نتواند در دایرهٔ حکومت خود این قانون را مجرا
دارد همان آن از حکومت معزول میشود و حاکم مقتدری
بجای او منصوب میگردد و حاکم معزول مدت پنج سال از
مواجب دیوانی و شغل و مأموریت محروم میماند و بر حاکم
مقتدر لازم است که مفسدین را که مانع اجرای قانون بوده
اند تحت الحفظ روانهٔ دار الخلافه نماید و درجات تقصیر
انها را بطور وضوح بعرض برساند که باندازهٔ تقصیر بانها
جزا داده شود **فصل نهم** اگر شخصی قولا یا فعلا به
افساد و اغوا پردازد و اهالی را بر منع اجرای احکام قانون

تحریص نماید بدون ملاحظهٔ نجابت و شان از پنج سال الی
پانزده سال در انبار دولت محبوس خواهد شد و اگر مواجب
و القابی از دیوان داشته باشد در مدت حبس از آن محروم
خواهد بود **فصل دهم** اگر یکی از مأمورین تحریریه
رشوه و تعارفی از کسی قبول کند آن رشوه و تعارف را دیوان
از او خواهد گرفت و معادل همان را هم از او بطور جریمه
دریافت خواهد نمود همچنین با رشوه دهنده هم همین معامله
خواهد شد یعنی از او هم معادل آن رشوه و تعارف گرفته
میشود و مأمور سه سال تمام حبس خواهد شد و دو سال
هم از مأموریت محروم خواهد ماند **فصل یازدهم**
هر مأموری از اهالی جز آب چیزی مفت بخواهد و بگیرد
بعد از ثبوت حق اهالی از او گرفته مسترد میشود و خود او
از مأموریت اخراج خواهد شد **فصل دوازدهم**
هر صاحب خانه باید مانع دخول و ورود مأمورین بخانهٔ

خود نشود و اگر بعد از اخبار زیاده از پنجه دقیقه مأمورین تحریریه
را معطل کند و نگذارد داخل خانه شوند از یک تومان الی پنج تومان
از او بعنوان جریمه گرفته خواهد شد و اگر اعتنا بامر دولت
ننماید و بحرمتی بمأمورین کند از یکماه الی یکسال او را حبس
خواهند نمود **فصل سیزدهم** هر مالکی نگذارد تمام ملک
او را مأمورین تحریریه بازدید کنند از یکماه الی ششماه حبس
خواهد شد **فصل چهاردهم** اگر ممیزی در تخمین قیمت و
تعیین درجهٔ اراضی بدولت و اهالی خیانت کند ضعف مبلغ
مواجبی که در اول مأموریت خود تا آن روز گرفته از او دریافت
خواهند نمود و بقدر مدت مأموریت حبس خواهد شد
و رؤسای اصناف نیز اگر در تعیین درجهٔ صنف خودشان خیانت
کنند از یکماه الی ششماه محبوس میشوند **فصل پانزدهم**
اگر کسی در وقت تعداد نفوس کتمان نفسی نماید اگر آن زن
باشد سه تومان جزای نقدی از کتمان کننده گرفته خواهد شد

واسم ان زن را ثبت دفتر نموده تذکره نفوس باو داده میشود
واگر مرد باشد تا پانزده سال از برای هر یکسال عمر او یک تومان
واز پانزده الی بیست برای هر سالی دو تومان جزای نقدی
گرفته میشود واگر مرد کتمان شده مسلمان باشد وسنش از
بیست گذشته قهرًا او را سرباز میکنند و پنج سال در خدمت
سربازی میماند واگر غیر مسلم است وسنّ او از بیست گذشته
صد وپنجاه تومان ازو برای عوض وبدل عسکری میگیرند
امّا شخص مکتوم اگر از حاکم ولایتی که تعداد نفوس ان نشده
کاغذی داشته باشد که در زمان تحریر نفوس وطن مکتوم
او دران ولایت بوده جزای نقدی از مکتوم ساقط وبر عهده
اشخاصی خواهد بود که دفتر دستی نفوس را مهر کرده اند

فصل شانزدهم هرگاه کاسبی از رئیس صنفی مکتوم
دارد واسم او را در دفتر اصناف قلم داده نماید وان کاسب
هم این فقره را غنیمت شمارد وباداره تحریرات اظهار ننماید از

برای هر سالی باندازهٔ مالیات درجهٔ اولی همان صنف جزای
نقدی ازاو گرفته خواهد شد وهرگاه فورًا بیاید وباداره
خبر دهد چیزی ازاو دریافت نخواهد شد فقط سه تومان
از رئیس صنف جریمه خواهند گرفت

فصل هفدهم
هرگاه شخصی در داخلهٔ ولایت خود بی تذکرهٔ نفوس سفر
کند واو را اگر ضابطان قرا یا دالاندارهای کاروانسراها
یا سایر ادارات ودوایر باداره تحریرات بفرستند واو ثابت
کند که داخل در دفتر نفوس میباشد محض اینکه بر خلاف
قانون تذکرهٔ نفوس خود را همراه برنداشته یک هزار دینار از
او جزای نقدی گرفته میشود

فصل هیجدهم هرگاه شخصی
خارج از اهالی ولایت از جائی باداره فرستاده شود واو
تذکرهٔ مرور نداشته باشد اداره او را تحت الحفظ بولایت
خود معاودت میدهد واگر شخصی از تبعهٔ خارجه بی پاسپورت
باشد هرگاه قنسولی از جانب دولت متبوع او در ان ولایت

باشد او را با مأمور مخصوص نزد قنسول میفرستند و اگر
قنسول در آن ولایت نباشد او را از حدود ولایت بیرون میکنند
و اگر معتبر باشد و بتواند ضامنی از اهل ولایت بدهد تا
باشبرت بیاورد اداره پس از اطمینان از ضامن او را رها
میکند و بعد از انقضای مدت معینه از ضامن باشبرت
مطالبه میشود اگر نه باشبرت را ابراز نمود و نه آن تبعه خارجه
را تسلیم کرد مسئول و بمنزلهٔ جاسوس خارجی خواهد بود
و مورد مؤاخذه خواهد شد **فصل بیستم** هر معمار یا بنائی ۲۰
بدون اجازه نامهٔ اداره دیوار کسی را اندود کند یا خشتی
در زمینی گذارد ششماه محبوس خواهد شد و از صاحب
ملک سه برابر مالیات املاک بعنوان جریمه گرفته خواهد
شد و اگر دیوار و بنائی بالا برده و ساخته شده باشد که
بموجب نقشه هدم آن مقرر باشد خراب میشود **فصل**
بیست و یکم هر مأمور و ثبت کنندهٔ در هر قسم اوراق و دفاتر ۲۱

فصل نوزدهم هرگاه کسی بدون اجازه
نامهٔ اداره ملک خود را بفروشد یا
اجاره دهد بعد از معلوم شدن
صنف سیم قیمت املاک از
موجر و مستاجر گرفته
خواهد شد

وتذکره و جواز کلمه یا کلماتی داخل و محو نماید اگر سهواً اینکار
کرده و حیله و فسادی در آن کار نباشد دفعهٔ اول معفو میشود و دفعهٔ ثانی مواجب یکروزه بار سوم یکماهه او داده
نخواهد شد بعد از آن اگر متنبه نشد اخراج میشود
اما در صورتیکه بقصد خیانتی کلمه یا کلماتی داخل و محو
نموده باشد بموجب فصل دهم و سیزدهم همین باب مجازات
۲۲ خواهد دید **فصل بیست و دوم** هر پیشنمازی بدون
اطلاع و اجازهٔ اداره صیغهٔ عقد دائمی یا صیغهٔ کم زیاده
از یکماه مدت داشته باشد جاری کند سه تومان جزای
نقدی از او گرفته میشود و باید در آخر هر ماه حتماً بکدخدای
محله خبر دهد که در ظرف این ماه چند طلاق واقع شده و
رؤسای ملل خارجه تبعهٔ این دولت نیز تابع همین فصل
۲۳ میباشند **فصل بیست و سیم** علما و پیشنمازان نباید صیغهٔ
عقد دائمی یا موقتی جاری نمایند مگر وقتی که زوج و زوجه

اهل محلّهٔ خود شان باشند اکر یکی از آن دو از اهل محلّهٔ
دیکر باشند لابد باید عالم یا پیشنماز آنمحلّه در مجلس جاری
کردن صیغه حاضر باشد و ممکن است که عالم و پیشنماز
وکیلی از جانب خود باینمجلس بفرستند و این برای آنستکه فسادی
بظهور نرسد **فصل بیست و چهارم** حاکم شرع هر بلد
اکر کسی را وصی یا وکیل یا ولی ایتام شخصی قرار داد باید سند
شرعی وکالت یا وصایت یا ولایت را بدفتر اداره رسانیده
در آنجا ثبت کند اکر یکماه از تاریخ سند کذشته وکیل
یا وصی یا ولی آنرا باداره بیاورد پنجهزار دینار از او جزای
نقدی دریافت میشود و سایر احکام راجعهٔ بایتام
راجع بقانون حفظ اموال ایتام است **فصل بیست و پنجم**
تذکرهٔ نفوس و املاک هر کس کم و ضایع شود بعد از رجوع
بثبت یکهزار دینار از او کرفته عوض آنرا باو میدهند
امّا برای هر نوع جواز کمشده ده شاهی کرفته خواهد شد

فصل بیست و ششم هرکاه کدخدای محلّهٔ یا قریهٔ
دفتر نفوس یا املاک یا مالیات عمومیّهٔ محلّه یا قریه را
کم و ضایع کند برای هر یک سطر یکشاهی از او جزای نقدی
کرفته میشود و نسخهٔ تازه باو میدهند **باب دهم**
در بیان احکام مختلفه و تبعهٔ خارجه و آن مشتمل بر چهار
فصل است **فصل اوّل** مالیات پاتنت یعنی اجازهٔ
کسب هر شخصی در هر مملکت که کسب میکند کرفته خواهد
شد امّا اعانهٔ عسکریّهٔ غیر مسلم در هر جائیکه نفوس خانهٔ
او ثبت دفتر شده دریافت میشود **فصل دوّم**
جز سفارتخانه‌ها و قونسولخانه‌ها و ییلاقات متعلّقهٔ بدول
متحابّه املاک و اراضی تبعهٔ خارجه مثل املاک و اراضی
تبعهٔ داخله میباشد ولی لازم است قبل از تحریر هر مملکة
حکومت بسفرای دول و قونسولها رسما اطلاع دهد
که بتبعهٔ خود اطلاع دهند که مانع اعمال تحریریّه نشوند

وهر چه از ایشان سؤال میکنند جواب صحیح بدهند
فصل سیم مالیات املاک از تبعهٔ خارجه نیز گرفته
خواهد شد اما مالیات کسب موافق قانون مقابلهٔ
بالمثل گرفته میشود فصل چهارم معاملات عسکریه
وتعداد اغنام ومواشی واخذ عشر از زارعین وتعیین
عملهٔ مجانی از برای تسویهٔ طرق که در این تحریریه مرجع
امور مذکوره است در قانون علیحده تعیین خواهد شد
توضیح در فصل فوق بجهت ساختن طرق مجاناً
اشاره شده این فقره یکی از مسائل مهمه است که در تمام
دول متمدنه معمول است وترتیبی مخصوص دارد که بدون
دیناری خرج از طرف دولت در مدت کمی تمام راه های
مملکت ساخته خواهد شد وحفظ راه های ساخته هم
برعهدهٔ دولت نخواهد بود چنانکه دولت عثمانی بتقلید
دول فرنگ اغلب راه های مملکت خود را با همین ترتیب

ساخته

ساخت وقابل عراده روی نمود اگر برای مطالعه کنندگان
علاقه گیرد واظهاری شود ممکن است این ترتیب هم در
لایحهٔ علیحده نوشته شود باب یازدهم در مخارج
معینهٔ دولت وآن مشتملست بر چهار فصل فصل
اول مالیات بیوتات عجزه ومساکین وبیوه زنان
وایتام فقیره وبدلات عسکریه واز کار افتادگان بجیز
ورؤسای ملت خارج از اسلام را خزانهٔ دولت خواهد
داد وحساب این قسم مخارج وتصدیق آن با پیشنمازان
وکدخدایان هر محله وقریه ومجلس ملتی جماعات خارجه
ومدیریت تحریریه وکمیسیون است فصل دویم مقدار
ومبلغ معینی از مالیات جدیده مسطوره در باب هشتم
از برای ادارهٔ بلدیهٔ هر شهر وقصبه وهر دایرهٔ تحریریه
معین خواهند کرد که در راه آبادانی بلاد واماکن خود
صرف نمایند فصل سیم مخارج دفاتر اساسیهٔ نفوس

واملاک واراضی وابنیهٔ جدیده وتعمیرات واصناف و
دوزنامجات وخلاصه‌ها وتذکرهٔ نفوس ودفاتر دستی
ومجلدات تذکره‌ها وجوازها وسایر اوراق بخصوص
مرکبهای ثابت قرمز وکبود ومیز وصندلی وفرش
اطاقها وزغال وهیزم زمستانی از خزانهٔ دولت داده
خواهد شد **فصل چهاردهم** مواجب مدیر بحریه
وهیئت مقیمه واعضای کمیسیون دائمی واجرت
تلگراف وپست مخابرات رسمیه وخرج راه ومواجب
محرّرین وقایع در دهات وخرج راه سایر مامورین
هیئت مقیمه نیز از خزانه داده میشود

خاتمه

اجرای فصول واحکام این قانون از تکالیف عمدهٔ وزارت
داخله ومالیه است
این کتابچه برحسب فرمایش یکی از رجال ووزرای معظم دولت

علیه ترجمه وتالیف شد امید که خاطر پسند انوزیر مفخم و
سایر دانشمندان اهل مملکت شود چه سخن داروی بر
صاحب کلاست وانا العبد الآبق الباغی حسن علی
المراغی الملقب باعتماد السلطنه
سنه ۱۳۰۷

برحسب فرموده [illegible] رئیس [illegible]
که نسبت [illegible] ترجمه وتالیف شده
و [illegible] ۱۱ جمادی الثانی ۱۳۰۷
۲ فوریه ۱۸۹۰

و امتیازات واقع [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

روز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

مرکبهای ثابت [illegible] و [illegible] [illegible]

اطاقها و رجال و [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

و هیئت [illegible] [illegible] چون دائمی و ابدیت

تذکره [illegible] [illegible] [illegible] و خرج راه و مواجب

مخبرین وقایع [illegible] و خرج راه [illegible] مامورین

هیئت مقیمه [illegible] از خزانه داده میشود

[illegible]

اجرای فصول [illegible] احکام این قانون [illegible] وزراء

داخله و مالیه است

این کلاه [illegible] [illegible] یکی از رجال و وزرای [illegible] دولت